آمریکا میدان نبرد - ۱۳

فاشیسم به‌شیوهٔ آمریکایی

نویسنده: دکتر جان دبلیو. وایتهد
مترجم: دکتر احمد دوستمحمدی

دزد زده و قربانی‌شده

آمریکایی‌ها دست کمی از کیف‌پول‌هایی برای تأمین مالی دولت پلیسی ندارند. بهترین تعبیری که در مورد عملکرد حکومت به نظر می‌رسد این است که همواره گوش مالیات‌دهندگان آمریکا را می‌برد و آنها را تیغ می‌زند. این حقیقت دارد، چه سخن از مالیات‌دهندگانی باشد که مجبورند تسلیحات گران‌قیمتی را که علیه ما مورد استفاده قرار می‌گیرند، تأمین مالی کنند. چه جنگ‌های بی‌پایانی که ارتباط ناچیزی با امنیت و آزادی‌های ما دارند و چه ادارات پرنخوت حکومتی نظیر وزارت امنیت داخلی و اداره امنیت ملی با بودجه‌های سرّی، برنامه‌های پشت پرده و عملیات مخفی آن. چیزی که نمک روی زخم ما می‌پاشد این است که حتی هزینه‌های مالی اقامه دعاوی علیه مقامات حکومتی که محکوم به خلاف می‌شوند، توسط مالیات‌دهندگان پرداخت می‌شوند.

در واقع، آمریکایی‌ها دیگر حق دفاع از خود را ندارند. در پی تیراندازی‌های گوناگون در سال‌های اخیر، «کنترل اسلحه» به یک موضوع پرسر و صدا نزد مقامات رسمی حکومتی تبدیل شده است، تا جایی که حتی رئیس‌جمهور اوباما، قول داد خشونت‌های مرتبط با اسلحه را، «با همراهی یا بدون همراهی کنگره» کاهش دهد. آنها که طرفدار اصلاح مقررات حمل سلاح هستند، حق حمل سلاح مندرج در متمم دوم قانون اساسی را منحصر به مقامات رسمی حکومتی تفسیر می‌کنند. در نتیجه، حتی با آمریکایی‌هایی که به طور قانونی دارای سلاح گرم هستند، همچون مظنون و در برخی موارد با خشونت بیش از حد رفتار می‌شود. در یک مورد، مردی در تگزاس خانه‌اش دستخوش یورش ناگهانی قرار گرفت و توسط پلیس، که تلاش می‌کرد مجوز یک جست‌وجوی معمولی را تسلیم کند، پس از اینکه متوجه شد که وی به طور قانونی یک سلاح گرم در اختیار دارد، در بستر خود هدف تیراندازی قرار گرفت. در حادثه دیگری، مردی از فلوریدا که دارای مجوز حمل مخفیانه سلاح گرم بود، در یک ایست ترافیکی عادی، به مدت دو ساعت بازداشت شد، در حالی که افسر بازداشت‌کننده، وسیله نقلیه وی را برای یافتن اسلحه آن مرد، که در منزل جا گذاشته بود، به عبث مورد جست‌وجو قرار داد.

مردم آمریکا دیگر حق مالکیت خصوصی ندارند. اگر عوامل حکومتی می‌توانند به خانه شما یورش بیاورند، درهای خانه شما را در هم بشکنند، به وسایل خانه شما خسارت وارد کنند و خانواده شما را به وحشت بیندازند، ملک شما دیگر خصوصی و در امان نیست- متعلق به حکومت است. همین‌طور، اگر مقامات حکومتی می‌توانند، گذران زندگی بدون اتکا به برخی خدمات شهری، از طریق جمع‌آوری آب باران و انرژی خورشید در ملک شخصی خود و سبزی‌کاری در محوطه جلوی خانه خود، شما را جریمه و دستگیر کنند، دیگر مالک ملک خود نیستید.

آمریکایی‌ها دیگر درباره آنچه که فرزندان‌شان در مدرسه در معرض آن قرار دارند، از خود اختیاری ندارند. حکومت به طرز باورنکردنی، به اصرار خود مبنی بر این که والدین وقتی که فرزندان خود را به مدارس دولتی می‌فرستند، اساساً حقوق خود را واگذار کنند، ادامه می‌دهد. این تنش فزاینده در بحث بر سر برنامه‌های آموزش جنسی که جوانان را در معرض انواع تمرین‌ها و اصطلاحات جنسی قرار می‌دهد، روش‌های عدم رواداری مطلق که دانش‌آموزان را از هرگونه حق فرآیند قانونی- چه رسد به مشارکت والدین در انضباط مدرسه- محروم می‌کند و بر سر برنامه‌های آموزش زبان و ریاضی[1] که به جای متفکران منتقد دانش‌آموزان را تست‌زن‌های ماهر تربیت می‌کند؛ خود را نشان داده است. تنش بر سر اینکه آیا جوانان به ویژه آنها که در مدارس دولتی هستند، تحت قیمومت دولت هستند که علی‌رغم حقوق اساسی بچه‌ها و والدین آنها، هر آنچه را که مقامات حکومتی مقتضی می‌انگارند، تحمل کنند.

خطر در پیش است

آمریکایی‌ها دیگر نمی‌توانند برای اجرای عدالت، به دادگاه‌ها تکیه کنند. هدف از تشکیل دیوان عالی ایالات متحده[2] این بود که نهادی باشد در جهت دخالت و حمایت از مردم در برابر حکومت و عوامل آن، آن‌گاه که از حدود خود تجاوز می‌کنند. با وجود این قضات دیوان‌عالی به دلایلی چون ملاحظه کارگزاران مختلف حکومتی، از جمله پلیس محلی، ترجیح امنیت بر آزادی، و مُثله کردن اساسی‌ترین حقوق ما به خاطر نظم و مصلحت، به معماران دولت پلیسی آمریکا، که اکنون در آن زندگی می‌کنیم، تبدیل شده‌اند. در حالی که محاکم پایینی، که اساساً نگران پیشبرد دستور کار حکومت هستند خود را صرفاً به برقراری نظم ملزم می‌دانند، صرف نظر از اینکه تا چه حد غیرعادلانه یا غیرقانونی باشد.

آمریکایی‌ها دیگر از حق کرامت جسمی و فیزیکی برخوردار نیستند. احکام دادگاه‌ها، که متمم چهارم قانون اساسی را تضعیف کرده و تفتیش‌های بدن‌های برهنه را توجه می‌کنند، ما را در برابر پلیس، که اجازه دارد به زور از ما خون بگیرد، ما را لخت کرده و تفتیش بدنی بکند، و ما را عمیقاً مورد معاینه قرار دهد، عاجز کرده است. گزارش‌ها درباره افرادی که- اعم از مرد و زن- در خلال توقف‌های «عادی» ترافیکی، توسط پلیس در معرض آنچه که تجاوز به عنف مورد تأیید حکومت می‌باشد، قرار می‌گیرند، رو به افزایش است. مردی در نیومکزیکو، به خاطر اینکه ادعا می‌شد تابلوی ایست را نادیده گرفته بود، در معرض یک آزمایش دشوار معاینه مقعدی، اشعه ایکس، تنقیه و دست آخر کولونوسکوپی دوازده ساعته قرار گرفت.

آمریکایی‌ها دیگر حق توقع زندگی خصوصی را ندارند. علی‌رغم شمار حیرت‌انگیز افشاگری‌ها راجع به جاسوسی کردن حکومت درباره مکالمات تلفنی، مراسلات فیسبوک، توئیت‌های توئیتری، جست‌وجوهای گوگلی، ایمیل‌ها، خریدهای از کتاب‌فروشی‌ها و خواربارفروش‌ها، صورتحساب‌های بانکی، گزارش‌های رفت و آمدهای عوارضی‌ها و غیره؛ کنگره، رئیس‌جمهور و دادگاه‌ها، برای مقابله با این بدرفتاری‌ها، اقدامات اندکی کرده‌اند یا هیچ اقدامی نکرده‌اند. در عوض، به نظر می‌رسد مأموران حکومت مصمم هستند ما را به زندگی در این اردوگاه کار اجباری الکترونیک عادت بدهند. به علاوه، چه سخن از تیراندازی‌های پلیس به افراد غیرمسلح باشد، چه دیدبانی اداره امنیت ملی، چه پرواز محلی پهپادها در آسمان‌ها، چه یورش‌های گروه‌های سوآت یا تفتیش‌های بدن‌های برهنه در کنار جاده‌ها، همه اینها جزئی از یک زنجیره استبدادی هستند- تابلوهای راهنمای مسیر مشترکی که ما در آن به سوی دولت پلیسی در حرکت هستیم.

تابلوی در مسیر ما می‌گوید «خطر در پیش است.» باید ببینیم آیا ما می‌توانیم ترمزها را بکشیم و پیش از اینکه خیلی دیر شود، بدون هیچ خطری، مسیر را عوض کنیم و برگردیم.

فصل ششم: فاشیسم آمریکایی

من از آنهایی می‌ترسم که اعلام می‌کنند این نمی‌تواند در این‌جا اتفاق بیفتد. در ۱۹۵۳ سینکلیر لوئیس[3] یک رمان پرطرفداری نوشت که در آن یک عوام‌فریب نژادپرست، یهودستیز، اهل شعار و مورد حمایت ارتش، در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۳۶ پیروز می‌شود و اقدام به ایجاد نسخه آمریکایی شده آلمان نازی می‌کند. عنوان «این نمی‌تواند دراین‌جا اتفاق بیفتد»، یک اخطار طنزآمیز بود مبنی بر این که این می‌تواند، اما «این» مورد اشاره لوئیس، بعید است که دوباره در هیچ‌جایی اتفاق بیفتد... هر کس در پی یافتن اعضای پیراهن سیاه‌ها،[4] احزاب توده‌وار، یا مردان اسب سوار باشد، نشانه‌های گویای فاشیسم خزنده را نخواهد دید... این فاشیسم در آمریکا، فوق مدرن و چندقومیتی، آمریکایی به شیوهٔ خیابان مدیسون،[5] ضیافت ناهار مدیران اجرایی، کارت‌های اعتباری، و پای‌سیب خواهد بود. فاشیسمی با چهره‌ای متبسّم خواهد بود. به عنوان اعلام خطر در مقابل ظاهر آراسته، فریبکاری زیرکانه و دستکش‌های مخملی آن، من این فاشیسم را فاشیسم دوستانه می‌نامم. چیزی که بیشتر از همه مرا می‌ترساند، ظاهر فریبنده آن است. برترام گراس،[6] مشاور سابق رئیس‌جمهور

فاشیسم، مثل سوسیالیسم، نمی‌تواند به هدف خود برسد. بنابراین یک راهی وجود دارد که از آن طریق، سخن از برهه‌ای از تاریخ معنی پیدا می‌کند: ما در برهه‌ای از فاشیسم متأخر هستیم. شکوه و عظمت گذشته از میان رفته است، ما مانده‌ایم و هفت‌تیرهایی که فرق سر ما را نشانه گرفته‌اند. این نظام خلق شده بود که بزرگ و با عظمت باشد، اما اکنون به سطح یک نظام زمخت و خشن افول کرده است. امروز خشونت، شجاعت و دلیری است. امروز خیانت و بدخواهی، شکوه و عظمت است. نویسنده لولین اچ. راک ول پسر[7]

ایالات متحده آمریکا، آن دموکراسی رؤیایی، دیگر وجود ندارد.

ما از عصر حکومت انتخابی و فراگیر گذشته و وارد عصر جدیدی شده‌ایم. بگذارید آن را عصر استبداد و خودکامگی بخوانیم. ما از هر شکل و صورتی از حکومت مبتنی بر قانون اساسی جامانده و به یک دولت نظامی‌گرا که در آن همه شهروندان مظنون هستند و امنیت از آزادی سبقت گرفته است، وارد شده‌ایم. این تقلید مضحک به هم ریخته قانون و حکومت، حتی با تغییر مستمر زمین خود، به هنجار جدید آمریکا تبدیل شده است و موضوع اغراق‌آمیزی نیست اگر گفته شود که کنگره، که نهایت تلاش خود را به کار گرفته است تا فاصله خود را با انتخاب‌کنندگان ناراضی خود حفظ کند، چه‌بسا ممکن است منفعت‌طلب‌ترین و فاسدترین نهاد در آمریکا باشد.

فاشیسم، مثل سوسیالیسم، نمی‌تواند به هدف خود برسد. بنابراین راهی وجود دارد که از آن طریق، سخن از برهه‌ای از تاریخ معنی پیدا می‌کند: ما در برهه‌ای از فاشیسم متأخر هستیم. شکوه و عظمت گذشته از میان رفته است، ما مانده‌ایم و هفت‌تیرهایی که فرق سر ما را نشانه گرفته‌اند. این نظام خلق شده بود که بزرگ و باعظمت باشد، اما اکنون به سطح یک نظام زمخت و خشن افول کرده است. امروز خشونت، شجاعت و دلیری است. امروز خیانت و بدخواهی، شکوه و عظمت است.

نتایج یک تحقیق عمیق در سال ۲۰۱۴ درباره سیاست‌های حکومت که توسط پرینستون و نورث وسترن یونیورسیتی انجام شده، به این جمع‌بندی رسیده است که حکومت ایالات متحده نماینده اکثریت شهروندان آمریکایی نیست. این تحقیق، در عوض به این نتیجه رسیده است که این حکومت تحت سلطه ثروتمندان و قدرتمندان، یا به اصطلاح «نخبگان اقتصادی»، قرار دارد.

نخبگان اقتصادی

نتایج یک تحقیق عمیق در سال ۲۰۱۴ درباره سیاست‌های حکومت که توسط پرینستون[8] و نورث‌وسترن یونیورسیتی[9] انجام شده، به این جمع‌بندی رسیده است که حکومت ایالات متحده نماینده اکثریت شهروندان آمریکایی نیست.

این تحقیق، در عوض به این نتیجه رسیده است که این حکومت تحت سلطه ثروتمندان و قدرتمندان، یا به اصطلاح «نخبگان اقتصادی»، قرار دارد. در این تحقیق آمده است:

نکته اصلی و اساسی که در این تحقیق آشکار شد این است نخبگان اقتصادی و گروه‌های سازمان‌یافته، به نمایندگی از منافع بازرگانی، تأثیرات مستقل تعیین‌کننده در سیاست‌های ایالات متحده دارند، در حالی که گروه‌های ذی‌نفع مردمی و شهروندان عادی، نفوذ مستقل اندکی دارند یا اصلاً ندارند.

به علاوه، این محققان به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌هایی که توسط این نخبگان حکومتی به تصویب می‌رسد، به ندرت با اولویت‌های اکثریت آمریکایی‌ها همسو است.

در عوض این سیاست‌ها از منافع خاص و گروه‌های فشار که البته عملاً در سرسراهای کنگره زندگی می‌کنند، حمایت می‌کند:

هنگامی که اکثریتی از شهروندان با نخبگان اقتصادی و یا منافع سازمان‌یافته مخالفت می‌کنند، معمولاً شکست می‌خورند. به علاوه، به این دلیل که در نظام سیاسی ایالات متحده یک وضعیت جانبدارانه‌ای جا افتاده است، حتی زمانی که اکثریت نسبتاً عظیمی از آمریکایی‌ها از تغییر حمایت می‌کنند، معمولاً به آن دست نمی‌یابند.

یک لحظه صبر کنید. در مدرسه و از سوی سیاستمداران به ما تلقین شده است که باور کنیم که آمریکا حکومت «مردم، توسط مردم و برای مردم» است. آیا این حقیقت ندارد؟ آیا ما را فریب داده‌اند؟ و اگر این حکومت «ما» نیست، پس حکومت چه کسی است؟

پانوشت‌ها:

1- Common Core Programs
2- U.S. Supreme Court
3- Sinclair Lewis

۴- پیراهن سیاه‌ها (Black Shirts)، به طور عام، به اعضای یک سازمان فاشیستی که به عنوان یک وجه تمایز، پیراهن‌های مشکی می‌پوشند، و به طور خاص، به اعضای شبه نظامی فاشیست ایتالیا اتلاق می‌شود.

۵- خیابان مدیسون (Medison Avenue)، در منهتن شهر نیویورک، نماد صنعت تبلیغات جهانی در آمریکا است.

6- Bertram Gross
7- Llewellyn H. Rockwell, Jr
8- Princeton
9- Northwestern University

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز			
۳۳۱۱۹۲۳۶	۳۳۹۴۲۰۰۰	۳۳۱۱۳۰۸۵	۳۳۱۱۰۲۰۲
۳۳۱۱۲۱۹۳	۳۳۱۱۸۰۵۲	۳۳۱۱۲۲۹۱	
۳۳۹۰۲۵۹۹	۳۳۹۱۱۵۶۸	۳۳۱۱۳۵۱۹	

جنوب	
شهرری	۵۵۹۰۰۸۹۷ - ۵۵۹۵۳۶۳۶
سعدی	۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱
شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال	
قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا	۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق — غرب	
آزادی	۶۶۰۰۷۴۷۹ - ۶۶۰۶۴۶۴۷-۹
شهریار	۶۵۲۲۲۹۳۳ - ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
کرج	۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ - ۳۲۲۲۴۴۱۱
تهران نو	۷۷۹۰۹۹۳۹ - ۷۷۹۳۶۸۸۸
دماوند	۷۶۳۲۱۹۳۸

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

سعادت‌آباد- مستغلات
۳۰۰۰ متر بنای مفید
۷ طبقه ۲ واحدی
فول- نوساز ۵۰ پارکینگ
مسکونی- موقعیت اداری (احمدی)
۰۹۱۲۲۰۰۹۷۷۲

سعادت‌آباد
۱۶۰ متر- نوساز
کلید نخورده فول امکانات
گذر مشجر- به قیمت‌ترین واحد نوساز منطقه
(احمدی)
۰۹۱۲۲۰۰۹۷۷۲

«املاک سان»
خرید و فروش
ویلا- زمین
پیمانکاری ساختمان
مشارکت ساخت
مازندران نوشهر، سی‌سنگان
۰۹۱۱۱۹۳۲۷۳۴

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

کلاردشت چند قطعه زمین جهت سرمایه‌گذاری زیر قیمت
۰۹۱۲۰۲۸۱۵۰۰
۰۹۱۱۲۱۴۲۰۸۰

نیاز به سرمایه‌گذار خرید و فروش آپارتمان
در یکی از بهترین برندهای املاک تهران
سرمایه‌گذاری حرفه‌ای و امن رو با ما تجربه کنید.
۰۹۱۲۱۴۸۷۸۸۳
۶۶۳۸۸۲۳۶

استخدام

استخدام راننده میکسر محدوده پردیس رودهن و بومهن
۰۹۱۲۱۴۵۶۷۴۸

لوازم یدکی خودرو
تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ - ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

خرید و فروش فیش حج- عمره
خریدار فیش حج تمتع و عمره نقدی- درب منزل
۶۶۵۷۴۸۱۹ - ۶۶۵۷۶۹۸۱
۰۹۱۲۶۹۹۳۶۰۳

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۶۶۸۰۰۷۸۹ و ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲

تاسیسات فنی و صنعتی
تعمیرات و سرویس و راه‌اندازی چیلر، سردخانه، کمپرسور برودتی
حکاکی ۰۹۱۲۹۶۳۴۷۹۳
۴۴۳۵۲۴۵۷

آسانسور و بالابر
فروشگاه آسانسور سبحان
تهیه تمام قطعات آسانسور
کشتی و هیدرولیک با نصب
۷۷۸۱۱۵۷۰ - ۰۹۱۲۳۰۰۵۶۶۹

دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی میپذیرد

خرید و فروش لوازم منزل
پخش انواع کولر گازی (اسپیلت)
لباسشویی- ظرفشویی- یخچال- تلویزیون
(با گارانتی معتبر) به قیمت بانه
۰۹۱۲۷۶۶۹۸۰ احمدی ۵۵۳۲۳۵۲۹

کوناکون
دعوت برای بازیگری فیلم و سریال‌ها
۰۹۱۲۱۷۹۸۱۹۶-۴۰۵۵۰۳۹۷

آگهی مفقودی

برگ سبز پژو ۲۰۷ سفید به شماره شاسی ۴۸۵۷۹۴ به شماره انتظامی ۵۳۵ و ۱۳- ایران ۴۰ به نام ناهید جعفری امیرآباد مفقود و اعتبار ندارد.

برگ سبز ۲۰۷ دنده پانا سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۶۴۵۵۳ ایران ۲۹ به شماره شاسی NJ۲۷۱۹۹۱ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگه سبز رانا پلاس سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۱۵۳ د ۴۹ ایران ۹۸ به شماره شاسی NT۳۴۳۰۷۹ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگه سبز پارس تیوفایو سفارشی سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۴۹۷ د ۴۹ ایران ۹۸ به شماره شاسی NH۴۱۷۷۳۰ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگه سبز پارس سال سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۵۵۹ د ۴۷ ایران ۹۸ به شماره شاسی NH۴۴۳۸۷۷ مفقود و فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) پژو سواری پراید مدل ۱۳۸۰ شماره انتظامی ۶۸۹ ب ۷۲ ایران ۳۱ شماره موتور ۰۰۳۳۲۷۰۰ و شماره شاسی S۱۴۱۲۳۸۰۷۰۴۷۱۶ نام فولاد ولی‌پور به شماره ملی ۵۲۸۹۵۵۲۲۱۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سند کمپانی، سند و فاکتور فروش خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۰ شماره انتظامی ۶۸۹ ب ۷۲ ایران ۳۱ شماره موتور ۰۰۳۳۲۷۰۰ و شماره شاسی S۱۴۱۲۳۸۰۷۰۴۷۱۶ نام فولاد ولی‌پور به شماره ملی ۵۲۸۹۵۵۲۲۱۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سند کمپانی، سند و فاکتور فروش خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۰ شماره انتظامی ۶۸۹ ص۶۸ ایران ۶۸ و شماره شاسی NAAP۰۳EEvNJ۲۸۷۳۰۴ مفقود و اعتبار ندارد.

برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵TU۵ SLX مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید به شماره ۹۵۲ م ۹۶- ایران ۲۴ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۰ و شماره موتور ۱۶۴B۰۲۸۳۷۱۱ و شماره شاسی NAAM۳۱FE۳MK۶۵۰۴۴۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵TU۵ به شماره پلاک ۹۵۲ م ۹۶- ایران ۲۴ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۰ و شماره موتور ۱۶۳B۰۰۲۱۰۵۷ و شماره شاسی NAAU۰۱FE۵ET۰۴۳۶۱۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو سواری رانا TU۵ به شماره پلاک ۷۷۹ ق ۵۵- ایران ۱۴ به رنگ خاکستری- متالیک مدل ۱۳۹۳ و شماره موتور ۱۶۳B۰۰۲۱۰۵۷ و شماره شاسی NAAU۰۱FE۵ET۰۴۳۶۱۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پارس سال ۱۴۰۰ رنگ سفید و شماره پلاک ۲۳۲ ص ۳۷ ایران ۵۱ شماره موتور ۱۲۴K۱۵۶۴۷۱۷ شماره شاسی NAAN۰۱CE۱MH۶۰۴۸۸۵ به نام سمیه محمدی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس سال ۱۴۰۰ رنگ سفید و شماره پلاک ۲۳۲ ص ۳۷ ایران ۵۱ شماره موتور ۱۲۴K۱۵۶۴۷۱۷ شماره شاسی NAAN۰۱CE۱MH۶۰۴۸۸۵ به نام سمیه محمدی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (برگ سبز) و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سند کمپانی، سند و فاکتور فروش خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ۶۴۴ ص ۲۶ ایران ۶۷ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۸۱۲۰۲۷ و شماره موتور ۳۸۲۲۰۱۸ به نام مرتضی عباس‌زاده به کد ملی ۱۱۷۰۷۰۲۸۰۵ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین‌شهر.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سند کمپانی، سند و فاکتور فروش خودرو سواری پراید ۱۳۱SL، مدل ۱۳۹۰، به رنگ سفید به شماره انتظامی ۶۷۸ ن ۳۹ ایران ۷۷ به شماره موتور ۴۵۱۸۵۸۶ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۰۰۷۰۰۰۲ به نام کاوه غمخلت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند کمپانی، کارت ماشین و کارت سوخت خودروی سواری پراید ۱۳۱SL، مدل ۱۳۹۰، به رنگ سفید به شماره انتظامی ۶۷۸ ن ۳۹ ایران ۷۷ به شماره موتور ۴۵۱۸۵۸۶ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۰۰۷۰۰۰۲ به نام کاوه غمخلت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری رانا TU۵ به شماره پلاک ۷۷۹ ق ۵۵- ایران ۱۴ به رنگ خاکستری- متالیک مدل ۱۳۹۳ و شماره موتور ۱۶۳B۰۰۲۱۰۵۷ و شماره شاسی NAAU۰۱FE۵ET۰۴۳۶۱۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پارس سال ۱۴۰۰ رنگ سفید و شماره پلاک ۲۳۲ ص ۳۷ ایران ۵۱ شماره موتور ۱۲۴K۱۵۶۴۷۱۷ شماره شاسی NAAN۰۱CE۱MH۶۰۴۸۸۵ به نام سمیه محمدی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند مالکیت وسیله نقلیه سواری پیکان، تیپ ۱۶۰۰، مدل ۱۳۸۱، به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۶۱۱ ج ۹۶ ایران ۷۹ به شماره موتور ۱۱۱۲۸۱۳۰۶۹۹ و شماره شاسی ۸۱۴۲۹۶۸۳ مربوط به آقای فرجاله کوچکی خانسر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند کمپانی، کارت ماشین و کارت سوخت خودروی سواری پراید ۱۳۱SL، مدل ۱۳۹۰، به رنگ سفید به شماره انتظامی ۶۷۸ ن ۳۹ ایران ۷۷ به شماره موتور ۴۵۱۸۵۸۶ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۰۰۷۰۰۰۲ به نام کاوه غمخلت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند کمپانی